

دو فصلنامه علمی تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی

سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ص ۲۵-۴۴

هدف از ازدواج در نگرش اسلامی^۱

سیده معصومه میری گرجی^۲

چکیده

ازدواج نخستین سنگ بنای تشکیل خانواده و بالطبع، جامعه و اجتهاد است و میزان اندیشه و تدبیر در آن در میزان پیشرفت یا انحطاط و صعود و یا سقوط جامعه تاثیر دارد. هدف محقق در این مقاله، بررسی اهداف و اهمیت ازدواج در اسلام می‌باشد. نوشتار حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و از طریق گردآوری داده‌ها و اطلاعات با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای به رشته تحریر در آمده است. یافته‌های مقاله، ازدواج به عنوان بهترین و بالاترین نعمت، دارای آثار و نتایج بسیاری است، از جمله، تشکیل خانواده، ارضای غریزه جنسی، تولید و بقای نسل، تکمیل و تکامل انسان، آرامش و سکون، پاک دامنی و عفاف و نتایج متعدد دیگری و... اسلام آنرا محبوب دانسته و تأکید به آن کرده است. و نتیجه اینکه در اسلام، ازدواج، برای تشکیل خانواده است تا از این طریق بتواند به آثار و نتایج آن دست پیدا کند.

لذا این مقاله در صدد است با روش توصیفی و تحلیلی از طریق گردآوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای به این

سؤال اصلی پژوهش پاسخ دهد که هدف از ازدواج چیست؟

گرچه تعدادی پژوهش با موضوع مشابه هدف از ازدواج در اسلام به چاپ رسیده است ولی اغلب آنها در حوزه‌های متفاوت و دیدگاه متفاوتی نسبت به دیدگاه مقاله حاضر داشته‌اند و بصورت کلیت وارد بحث شده‌اند. ولی این نوشتار، با نگاهی عمیق و توجه ژرف انگیز به منابع اسلامی دیدگاهی متفاوت به هدف از ازدواج پرداخته است، و نتیجه پژوهش کاملاً متمایز از سایر پژوهش‌ها در این زمینه است.

واژه‌های کلیدی: ازدواج، خانواده، اسلام

^۱ - تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۲۰

^۲ - طلبه سطح ۴ حوزه علمیه.

۱. مقدمه

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا
وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم، ۲۱).

ازدواج نقش مهمی در زندگی بشریت دارد و پیمان مقدس است که خداوند به صورت فطری میل به این امر را بین زن و شوهر قرار داده است. در امر ازدواج و تشکیل خانواده، اموری از جمله نیازهای جنسی و عاطفی و روانی دخالت دارند، ولی باید توجه کرد که ازدواج نوعی تکامل روانی و رسیدن به کمال و آرامش درونی است.

بهترین امر در ازدواج را در این آیه ۲۰ سوره روم می‌توان بیان کرد که اشاره به آرامش و مودت و رحمت است. زندگی زناشویی شاید از میل جنسی ریشه گیرد ولی به تدریج به نوعی همبستگی روحی و عاطفی، اقتصادی و اجتماعی میان زن و شوهر ختم می‌گردد. پیمان ازدواج، که با احساس تمایل قلبی زن و مرد شکل می‌گیرد، در زندگی انسان اهمیت خاصی دارد و میان ملل مختلف، پیمان مقدسی است چون موجودیت دو انسان به هم گره می‌خورد و اولین محیط برای زندگی نوزاد انسان را رقم می‌زند و از این طریق بر جسم و جان و اندیشه و عمل آینده او اثر می‌گذارد.

ازدواج از نظر اجتماعی هم مهم است چون جلوی بندوباری و آشفتگی جنسی را می‌گیرد و مفهوم زناشویی با توجه به حفظ نسبی استقلال شخصیت زن و مرد فراهم سازی و امکان رشد و تعالی و ارضای نیازمندی‌های مشروع و متقابل هر یک از زن و مرد در قالب ازدواج، شکل می‌گیرد.

۲. مفهوم ازدواج

ازدواج در لغت از زوج به معنی جفت است که عبارت است از دو چیز همراه و قرین است خواه مماثل باشند و خواه متضاد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۲۹۱/۲) و ازدواج در فرهنگ نامه دهخدا به معنی جفت گرفتن زن و شوهر کردن و... آمده است.

و ازدواج مصدر ثلاثی مزید از باب افتعال و زواج مصدر باب مفاعله است (جوهری، ۱۴۰۴ق: ۳۲۰/۱). در اصطلاح فقهی رابطه‌ای است که جواز کام‌جویی بین زن و مرد می‌باشد، چنانکه واژه نکاح نیز به همین معنا آمده است (ابن منظور، همان) و مرحوم صاحب جواهر، در تعریف نکاح در شرع را به معنی عقد می‌داند. و ابن ادریس عقیده دارند، در این معنا هیچ از فقها اختلافی ندارند.

همچنین شیخ طوسی و فخر المحققین، ادعای اجماع دارند که نکاح در اصطلاح به معنی عقد است، چون واژه ازدواج در عقد زیاد استعمال می‌گردد، البته صاحب جواهر می‌فرماید که معنای نکاح شرعاً عقد باشد، جای بحث وجود دارد، چون واژه نکاح مانند بسیاری از عناوین فقهی قبل از پیدایش دین نیز در میان جوامع وجود داشته است همچنانکه بیع به معنی عقد نیست و به معنی نقل ملک است و قهراً نکاح نیز چنین است، شاهد اینکه در موقع عقد هنگامی که زن به عنوان طرف قرارداد می‌گردد: «انکحت» عقد را قصد نمی‌کند، بلکه سلطه مرد و صاحب حق شدن او در کام‌جویی از همسرش را در برابر مهر معین قصد دارد. پس مراد از نکاح و ازدواج همان حق هم‌خوابگی است و مجازاً به عقد ازدواج اطلاق می‌گردد، این به جهت علاقه سببیتی است که بین عقد خاص با حصول این حق وجود دارد. (نجفی جواهری، ۱۳۶۵: ۲۹/۸، ۱۴)

در نتیجه ازدواج به معنی هم‌خوابگی و به وحدت رسیدن است که این به معنا لغوی است و عقد عامل پیدایش این حق است (طبرسی، بی تا، ۳/۴۵) و ازدواج در قانون مدنی تعریف خاصی نشده است و در واقع همان قراردادی

قانونی است که بین مردم وجود دارد که باعث بوجود آمدن خویشاوندی می شود این تعریف عرفی از ازدواج را حقوق مدنی مدنظر دارد و پذیرفته است.

۳. عقد ازدواج

در آیه ۲۳۵ سوره بقره ذکر شده است که «وَلَا تَعْزِمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّىٰ يَبْلُغَ

الْكِتَابُ أَجْلَهُو . . .» تا عده زن به پایان نرسیده، عقد نکاح را برقرار نکنید.

و آغاز زندگی زناشویی و پیمان مقدس ازدواج، با عقد شروع می گردد، و عقد ازدواج همانند سایر عقود

شرایط خاص خودش را دارد (نجفی جواهری، ۵-۸) و باید به آن شرایط پایبند بود از جمله ایجاب و قبول و اینکه

ایجاب نکاح با دو لفظ «زوجت» و «انکحت» حاصل می شود و صرف راضی بودن زن و مرد کفایت نمی کند، و

دیگر اینکه در عقد نکاح قصد انشا و توجه به مضمون عقد، موالات تنجیز تعیین زن و شوهر به نام و وصف و یا اشاره

و همچنین اختیار و رضایت زن و شوهر در عقد باید وجود داشته باشد.

ماهیت ازدواج یک قرارداد و پیمان با شرایط ویژه است (همان) و این پیمان و قرارداد افزون بر این که از

استحکام خاص برخوردار است دارای یک ارزش و منزلت الهی و خدایی ویژه می باشد و در سطح دیگر قرارداد های

اجتماعی قرار نمی گیرد تا صرفاً از قواعد عمومی آن قراردادها پیروی کند.

پیمان و عقد ازدواج از قویترین پیمان و مقدس ترین قرارداد است که آدمی با اعتقاد به آن، با فردی که

شناخت زیادی از وی ندارد، هم پیمان گردد و همه دارایی خود را با او مشارکت نماید و شریک مال و دین و اسرار

زندگی خویش قرار دهد. (الحر العاملی، ۱۴۰۳ق، ۱۴/۱۴-۱۷)

۴. ازدواج در آیات

در قرآن آیاتی در اهمیت اصل ازدواج ذکر شده است که تشویق و ترغیب به ازدواج نموده است، از جمله این

آیات آیه ۲۱ سوره روم آمده است.

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا

وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» واز

نشانه‌های او این است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانه‌تان مودت

و رحمت قرار داد. در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند. واژه‌های مد نظر در این آیه :

لتسکنوا: سکن در لغت به معنی آنچه که به آن مانوس شوند.

و در معنی سکینه آمده است که نوری ملکوتی است که خداوند بر دل افراد مومن نازل می‌کند و در نتیجه

ترس و اضطراب و شتابزدگی از آن‌ها دور می‌شود، و موجب افزایش ایمان و پایداری آنان می‌گردد.

و سکونت هم به معنی استقرار یافتن و از بین رفتن نا آرامی است و استقرار یعنی قرار گرفتن در مکانی که در

مقابل حرکت است. در آیه شریفه آمده است «لتسکنوا إليها» و نگفته است «لتسکنوا

عليها» چون هم مرد و هم زن هر دو باید در ایجاد آرامش و سکونت سهیم باشند. البته سهم زن در ایجاد آرامش

از مرد بیشتر است، چون وقتی مرد به سمت زن می‌رود، آرامش می‌یابد پس رکن سکونت، زن است و اینها در عرض

یکدیگر نیستند، هر چند هر دو سهیم هستند.

سکونت و آرامش فقط جنبه جسمی و فردی نیست بلکه از نظر روحی و اجتماعی هم تاثیر بسزایی دارد، از سان

وقتی ترک ازدواج می‌کند، بیماری‌های جسمی و روحی و نا آرامی‌های روانی دچار می‌گردد و از نظر اجتماعی هم

انسان مجرد کمتر احساس مسولیت می‌کند و وقتی ازدواج می‌کند، تازه وارد شخصیت جدید می‌گردد که خود را

شخص مسئول در قبال خانواده و اجتماع می‌داند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۶ / ۳۹۲) انسانی که بیش از حد متعارف در مکانی سکونت دارد و فاقد حرکت است و از فعالیت اجتماعی باز می‌ماند و نتواند مخارج خانواده خود تأمین نماید، مسکین گفته می‌شود (افرام بستانی، ۱۳۷۵: ۸۲۰) و فقیر بودن انسان از جایی بوجود می‌آید که به دلایلی مثل بی‌حماری و... شخص ناچار است مدتی در گوشه ای بماند و کم‌کم محتاج دیگران می‌شود به این شخص فقیر هم مسکین گفته می‌شود و خود کلامه مسکین به معنی فقر و نداری نیست بلکه عامل فقر، مسکین است و دنبال روزی رفتن است. سکونت زن و شوهر هم یعنی اینکه وقتی زن و شوهر در کنار یکدیگر هستند، مایه آرامش یکدیگر باشند، به طور دائمی و آرامش و سکونت هم باطنی باشد و هم سکونت ظاهری مد نظر است.

نکته مهم اینکه سکونتی که قرآن ذکر می‌کند، باید قبل از ازدواج نیاز به آن حس گردد و این سکونت جدید بعد از ازدواج، مسبوق به عدم است و قبل از ازدواج وجود نداشته است و با ازدواج حاصل می‌گردد چون اگر قبل از ازدواج این سکونت وجود داشته بعد از ازدواج تحصیل حاصل است. قرآن می‌فرماید سکونت را بدست آورید، معلوم است که قبل از ازدواج وجود نداشته است. البته باید ذکر کرد این آرامش و سکونت در سایه عواملی است که با ازدواج به دست می‌آید و حاصل می‌گردد.

از جمله عناصری باید قبل از ازدواج زن و مرد داشته باشند تا در سایه ازدواج به آرامش کامل برسند، ایمان، اخلاق، عمل صالح، ولایت و تفاهم عقیدتی و روحی و... مواردی است که در ادامه ذکر خواهد شد. ۲- **مودت و رحمت** مودت با رحمت تفاوت‌هایی دارد اینکه: مودت ریشه در کلمه (ودّ) دارد و در آیات بسیاری به ودّ و همان دوست داشتن عملی انسانها اشاره شده است، مودت انگیزه ارتباط در آغاز آشنایی است ولی اگر یکی از هم‌سران ناتوان یا مریض شد و دچار مشکلی شد، رحمت جای مودت را می‌گیرد و بواسطه رحمت، به هم‌سر ناتوان کمک و یاری از روی دوست داشتن می‌رساند.

مودت غالباً دو طرفه است و از طرف زن و مرد دو طرف صورت گیرد ولی رحمت معمولاً یکطرفه و رنگ ایثار به خود می‌گیرد و در زندگی زناشویی، گاهی جنبه کمک و یاری دو طرفه است که مودت نامیده می‌شود و گاهی یک طرفه بدون هیچ چشم داشتی صورت می‌گیرد که رحمت نامیده می‌شود.

البته باید یادآور شد که مودت، با محبت هم فرق دارد مودت اگرچه ریشه در محبت دارد ولی محبت یک گرایش و تعلق روحی، جانی و قلبی است. ساده‌ترین و آسان‌ترین طریق ظهور آن لفظ گفتار است و ممکن است اظهار محبت بواسطه لفظ، حتی صحت نداشته باشد و دروغ باشد پس محبت نیاز به آزمایش دارد، آزمایش هم اظهار محبت در عرصه عمل است که مودت نامیده می‌شود.

محبت در عرصه عمل، مودت است. رسول اکرم (ص) فرموده اند: اجر رسالت من، در مودت به اهل بیت علیهم السلام می‌باشد.

یعنی نه تنها نسبت به آنها معرفت و محبت داشته باشید بلکه در عمل هم این محبت باید ابراز گردد و آیات دیگری هم در قرآن در امر ازدواج ذکر شده است که مجال پرداختن به آنها نیست.

۵. ازدواج در روایات

رسول اکرم (ص) فرمودند: «اذا تزوج الرجل احرز نصف دین» (الحر العاملی، ۱۴۰۳ق:

(۵/۱۴)

کسی که ازدواج کند نصف دینش را حفظ کرده است. همچنین پیامبر اکرم ذکر کرده اند که: «یفتح

ابواب السماء بالرحمه فی اربع مواضع : عند نزول المطر و عند

نظر الولد فی وجه الوالدین و عند فتح باب الکعبه و عند

النکاح» درهای رحمت آسمانی در چهار وقت گشوده می‌شود. موقع بارش باران و هنگامی که فرزند به چهره پدر و مادرش می‌نگردد و هنگام گشوده شدن در کعبه و هنگام برپایی مراسم عقد و عروسی. به خاطر وجود منافع و اهمیت ازدواج است که روایات آن را تأیید و تأکید می‌کنند که ازدواج را از سنت پیامبر معرفی می‌کنند که عامل تشکیل دین است و تکمیل کننده ایمان است و بوسیله ازدواج از بسیاری گناهان فردی و اجتماعی کاسته خواهد شد و نشانه پیروی از سنت پیامبر و پیامبران است و در نتیجه موجب جلب رضایت الهی خواهد بود، چون کسب طهارت معنوی را در پی خواهد داشت که بهترین بهره و سود اخروی و گشوده شدن رحمت الهی خواهد بود و....

رسول اکرم می‌فرمایند: «ثلاث اخافهن علی امتی من بعدی الضلاله بعد

المعرفه و مضلات الفتن و شهوت البطن و الفرج» (کلینی، ۱۳۶۷: ۲/ ۷۹) سه چیز

می‌ترسم بعد از من امت مرا همراه کند، و آنها عبارتند از گمراهی بعد از شناخت و فتنه‌های گمراه کننده و شهوت شکم و فرج.

یکی از چیزهایی که پیامبر معرفی می‌کند که موجب گمراهی می‌گردد، شهوت فرج یا غریزه جنسی است.

خداوند به منظور صیانت ذات و تأمین شئون مختلف زندگی بشر و حفظ حیات فردی و نوعی انسان، غرایز و تمایلاتی را در نهاد آدمیان به ودیعه گذاشت.

وجود هر یک از آن غرایز و خواهش‌ها در جای خود ضروری می‌باشد. اگر غرایز به ویژه غرایز جنسی به

خوبی تعدیل گردند، و از سرکشی جلوگیری شود، اگر احساسات هر یک با اندازه گیری صحیح و در جای مناسب

خود اعمال شود، موجب خوش بختی و کمال بشر و مایه سعادت فرد و اجتماع خواهد بود. ولی اگر غرایز و

احساسات مهار نشود، اگر آزادانه و بدون قید و شرط اعمال گردد انسان را از هر حیوانی پست تر خواهد کرد.

اگر جلوی آتش شهوت جنسی گرفته نشود، نسلها و خانواده‌ها و ارزشهای انسانی از بین می‌رود. جامعه نامن

می‌شود. ناموس انسان در خطر قرار می‌گیرد و در نتیجه دین انسان از بین می‌رود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۶۳/۱۴)

۶. تشکیل خانواده

اساسی‌ترین هدف اسلام از ازدواج، تشکیل خانواده است. اسلام با تعیین این هدف، این پیام را دارد که تمام

علل و چرایی‌های ازدواج مانند پاسخ به نیازهای روحی و روانی، شناختی و جسمی و حفظ نوع بشر و تولید نسل پاک

و... باید در چهار چوبی تعریف شده و در قالب کانونی به نام خانواده شکل و تأمین گردد.

خانواده آن کانون محبت و عاطفه و لطفی است که با ازدواج پی‌ریزی می‌گردد و از محبوب‌ترین و

عزیزترین کانون‌ها نزد خداوند است که هرگز بنایی با این جایگاه ویژه و رفیع بنا نشده است. اگر ازدواج شکل‌گیر

ولی به تشکیل این کانون مهر و محبت منتهی نشود و صرفاً عقد و قراردادی بین دو انسان باشد، چنین ازدواجی شاید از

دیدگاه عرفی و حقوقی یک ازدواج صحیح باشد ولی از دیدگاه اسلام، به ویژه تربیت اسلامی، ازدواجی مطلوب و

مورد پسند نیست، هر چند به تولید نسل و برآوردن برخی نیازهای جسمی و... بیانجامد.

با این توضیح روشن می‌گردد که چرا این هدف از اولین و اساسی‌ترین اهداف ازدواج است، چرا که بدون این

هدف، تأمین دیگر اهداف، ناممکن است. یاب صورت ناقص فراهم می‌گردد. اسلام، خانواده را به عنوان یک هدف

واسطه‌ای در نظر می‌گیرد تا در پرتو آن به اهداف بعدی خود نایل گردد.

در واقع از دیدگاه اسلام تنها با تشکیل خانواده می‌توان به اهدافی خاص دست یافت و هیچ مسیری برای

رسیدن به آن اهداف جز از طریق خانواده وجود ندارد. مثلاً تأمین مودت و محبت، که یکی از اهداف ازدواج است

تنها از طریق ازدواج و صرف قرارداد و پیمان به دست نمی آید و از نظر اسلام، محل ارزانی داشتن محبت و مودت در

سایه کانون گرم خانواده است. (عندلیب، ۱۴۲۲ق: ۱/۱۶۲)

۷. ازدواج پاسخ به فطرت الهی است

ازدواج یک امری فطری است و داشتن زندگی خانوادگی، بر پایه نظام خلقت است و امری طبیعی

است. ازدواج به معنای جمع شدن نر و ماده اختصاص به انسان ندارد بلکه در کل نظام هستی این قانون حاکم است و

انسان هم جزئی از این نظام کلی است. خلقت انسان اعم از زن و مرد، به لحاظ گوهر مایه اصلی، تفاوت و جود ندارد

و هر دو از یک گوهر شکل گرفته اند و از یک نوع می باشند و از یک اصل می باشند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۴/۱۳۵)

ولی تفاوت هایی در گوهر وجودی آنها خداوند قرار داده است و این تفاوتها هم از لحاظ ظاهری است و هم

از لحاظ باطنی. (همان، ۳/ ۱۷۰)

«و قد خلقکم اطواراً» کلمه اطوار عام است و شامل مراحل خلقت انسان از خاک و نطفه تا پیری

می شود و هم چنین شامل همه گونه تفاوت و دگرگونی می شود و همه موارد اختلاف را در بر می گیرد. اختلاف در

ذکورت و انوست، رنگ پوست، هیات افراد و اختلاف و تفاوت در قوت و ضعف (همان، ۲۰/۳۲).

قانون نظام خلقت زن و مرد را طالب یکدیگر قرار داده است و آنها را نیازمند به یکدیگر آفریده است چرا که

زن و مرد با ازدواج بواسطه نواقصی که در خود می بینند، می توانند رفع و بر طرف سازند و مکمل یکدیگر باشند و

برای تحکیم پیوند میان آنها، این تفاوتهای جسمی و روحی میان آنها قرار داده شده است (مطهری، ۱۳۵۷: ۲۱۱) و

مهم ترین منشا طبیعی برآوردن غریزه جنسی است که خداوند به صورت فطرتی در باطن و نهاد انسان قرار داده است

که همین غریزه، تمایل به جنس مخالف شکل می گیرد و این غریزه منشا طبیعی و فطری برای ازدواج است.

و این گرایش چون فطری و بر اساس خلقت زن و مرد است، نیاز به برهان و استدلال هم ندارد و هر یک از زن و مرد این گزینه را در خود می‌یابند و درک می‌کنند.

البته گزینه جنسی خود به خود راه طبیعی و صحیح ارضاراه به انسان نشان نمی‌دهد، مثل گرسنگی که انسان آن را درک می‌کند و با خوردن بر طرف می‌گردد اما اینکه چه چیزی بخورد و یا چگونه بخورد، دیگر آن را طبیعت گرسنگی بیان نمی‌کند و قرآن اصل مسأله شهوت و گزینه جنسی و هم چنین مسیر ارضای آن را که چگونه باید باشد و اینکه کدام مسیر صحیح و کدام یک باطل است، کاملاً بیان نموده است.

خداوند در سوره اعراف آیه ۸۰ و ۸۱ اصل گزینه جنسی و مسیر انحرافی آن را بیان می‌کند که تمایل و ارضای شهوت باهم جنس به طور دقیق خلاف مسیر فطرت می‌باشد و از همین جهت به آنها مسرف و تجاوزگراطلاق کرده است، این مسیر باطل و غیر صحیح در اعمال و ارضای شهوت است.

ولی مسیر درست ارضای گزینه جنسی در سوره مومنون آیه ۵۶ آمده است که «**وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ الْأَعْلَىٰ أَرْوَاجَهُمْ أَوْ أَسْفَلَ أَرْوَاجَهُمْ وَالْأَعْلَىٰ هِيَ الْفَرْجُ وَالْأَسْفَلُ هِيَ الْوَجْهُ فَكَفَافٌ عَلَيْهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ**» که مسیر فطری گزینه جنسی آن است که با تمتع از جنس مخالف ارضا شود و ارتباط جنسی با هم جنس ممنوع است و طبق آیه رابطه جنس مخالف محدود به آن چیزی است که در چهارچوب قانون و شرع بیان شده است که همان ازدواج می‌باشد.

تمام قوانین و مقررات اسلام، از زیر ساخت‌های فطری و طبیعی به ودیعه نهاده شده و در نهاد انسان، سرچشمه می‌گیرد و این قوانین و مقررات به شکلی برآورنده نیازهای فطری و طبیعی انسان هستند و در پرتو این قوانین، سلامت و رشد آدمی تضمین می‌شود و فلسفه بنیادین ازدواج هم مانند تمام احکام و مقررات آن پاسخ به ندای فطرت خدا جوی انسان است لذا افرادی که از ازدواج روی گردان هستند، ناخودآگاه با فطرت و طبیعت خود به جنگ برخاسته

اند و به دشواری و مشکلات فراوان مواجه خواهند شد و از مسیر اعتدال و جاده تکامل و رشد خارج می‌شود (رشید پور، ۱۳۷۶: ۸).

۸. ازدواج و حفظ دین و حفظ پاکی و طهارت

مرحوم علامه جعفری (ره) در جواب فیلسوف اروپایی برتراند راسل که سوال کرده بود چرا اسلام این قدر به ازدواج بها داده و برایش قانون وضع کرده است، می‌نویسد: «اسلام با ازدواج می‌خواهد انسان به وجود آید مساله انسان مطرح است.»

ازدواج پیوندی مقدس که عاملی موثر در حفظ دین است. رسول اکرم می‌فرمایند: هرکس می‌خواهد خدا را در حال پاکیزگی و طهارت ملاقات کند به وسیله ازدواج عفت پیشه سازد ازدواج چگونگی نهی می‌تواند باعث تکامل ایمان شخص گردد و حافظ دین گردد:

ازدواج باعث کنترل غریزه جنسی می‌شود. میل به شهوت و غریزه جنسی، یکی از سرکش‌ترین نیروها در انسان است، و اگر در مسیر طبیعی خود ارضا نگردد، شخص را دچار گناه و معصیت می‌کند و این ازدواج است که غریزه جنسی را در مسیر طبیعی خود قرار می‌دهد و انسان را نسبت به گناهانی که از ناحیه این غریزه او را تهدید می‌کند، حفظ می‌نماید و نیرویی که شخص به کار می‌گیرد برای مهار این غریزه، با ازدواج می‌تواند از این نیرو برای کمال الهی خود استفاده کند و با ازدواج بهتر می‌تواند در مسیر رشد معنوی قرار گیرد.

وقتی انسان قوه شهویه خود را با ازدواج پاسخ دهد از بسیاری از گناهان مصون می‌ماند و بهتر می‌تواند راه کمال را طی کند. شهید مطهری می‌فرماید: افرادی که هرچند بدون ازدواج، رفتار خویش را مهار کرده و مقامات علمی کسب کرده‌اند. ولی نوعی نقص، عدم کمال و به تعبیری خاص در آنها مشاهده می‌شود. گویی انسان یک نوع

کمال روحی دارد که بجز در مدرسه خانواده کسب نمی‌کند. نکته جالب توجه آن است که ازدواج با این که رفتار جنسی در بر دارد، ولی جنبه تکامل و رشدی دارد و به همین جهت در اسلام، سنت و مستحب اعلام شده است. (مطهری، ۱۳۵۷: ۱۶۶)

یک دیدگاه وجود دارد که ازدواج به نفسه، یک عمل مستحبی و عبادی است که نوعی کمال محسوب می‌گردد. در نتیجه ازدواج نیمی از دین است، چراکه انسان در مسیر کمال به لوازمی نیاز دارد که یکی از اثر گذارترین آنها ازدواج است.

ازدواج مومن با مومن چیزی جز در کنار هم قرار گرفتن یک زوج در جهت کمال نیست و امکان ندارد انسان را تنزل دهد. اگر انتخاب همسر باموازین اسلامی صورت گیرد، نه تنها موجب کمال و نصف دین است، بلکه زمینه را برای بدست آوردن نیم دیگر دین آماده تر می‌کند و با ازدواج می‌توان محیط معنوی مناسبی برای مسیر به سوی معبود حقیقی فراهم آورد. (مشکینی، ۱۳۶۶: ۱۴۶)

۹. پرورش نسل سالم و پاک

با تربیت انسان‌های سالم و پاک است که می‌توان جامعه را به سعادت رساند و این تربیت تنها در سایه ازدواج مطابق با قوانین و شرایط اسلام است و برای رسیدن به نسل پاک و سالم انسانی، اسلام شرایط خاصی را برای ازدواج در نظر دارد.

بواسطه اهمیت این هدف، اسلام شرایط زیادی مد نظر گرفته است حتی شرایط تغذیه، حالات روحی و... را از نظر دور نداشته است، به خاطر همین به رعایت برخی امور و اجتناب از برخی عوامل موثر دیگر توصیه می‌نماید. (الحرالعاملی، ۱۴۰۳ق: ۱۴ / ۵۰-۶۸) مثلاً اسلام از ازدواج با فرد شراب خور و بد اخلق، کم خرد و احمق نهی

می‌نماید. (همان، ۵۳-۵۹) و حتی در بعضی موارد دیده شده است که تو صیه اسلام این است که حتی اگر با چنین افرادی ازدواج کردید، بچه دار نشوید. (همان، ۵۷) و هم چنین در برخی از اسناد اسلامی تربیت نسل سالم و پاک توجه صریح شده است و به شرافت خانوادگی به عنوان یک شرط اساسی مدنظر قرار گرفته است.

«تزوجوا فی الحجر الصالح، فان العرق دسا» با خاندانی صالح ازدواج نماید، زیرا عرق (ژن) دسای و بسیار

تاثیر گذار است. (طبرسی، ۱/ ۳۷۳)

۱۰. ازدواج عامل آرامش زن و مرد است

مهم ترین ضرورت فردی ازدواج، آرامش است که منجر به دوستی و مهربانی بین زن و شوهر می شود و این آرامش تنها در سایه ازدواج سالم بدست می آید، در زندگی باید کسی را انتخاب کرد که حضور او در کنار انسان، موجب آرامش گردد و عامل تداوم زندگی زناشویی، حس خوشایند آرامش در کنار هم بودن است.

ازدواج پیوند زناشویی زن و مرد که هر یک دارای خصوصیات و صفات اخلاقی و فردی خاص خود می باشد، باعث می گردد در کنار یکدیگر روند تکاملی خلقت و ادامه حیات که یکی از اهداف آفرینش است، تحقق یافته و زندگی انسان نیز باشد و نشاط استمرار پیدا کند و همه منوط به این است. هر یک از زن و مرد، همسر شایسته خود پیدا کنند که البته این منوط به توجه بیشتر است که چه کسی را شریک زندگی انتخاب گردد.

ازدواج ایجاد محبت و وفاداری و یکی شدن زوجین است که البته این نشان محبت خدا به بشریت است. در واقع ازدواج رمز و نشانه بشری از شیوه رفتار خداوند با انسان به شمار می رود. همان گونه که خداوند انسان را دوست می دارد، از مزدوجین هم تعهد می گیرد تا با یکی شدن نشانه آشکاری برای محبت خدا به بشر است، لذا خانواده کانون محبت و آرامش از محبت خداست تا در پرتو این محبت به آرامش دست پیدا کند. (توماس، ۱۳۷۷: ۹۵)

۱۱. ازدواج انسان را به کمال می‌رساند

رشد و شکوفایی انسان و بروز خلاقیت و موقعیت‌ها در زندگی، بواسطه امر ازدواج است و باعث می‌شود که فضایل اخلاقی و انسانی به فعلیت برسد. وقتی مرد برای حمایت از خانواده ایستادگی می‌کند و خود را قوام خانواده بداند، روحیه دفاع و جوان مردی در او تقویت و شکوفا می‌گردد.

بوجود آمدن شرایط مادری برای زنان، موجب می‌گردد که تا با تحمل مشکلات فرزند پروری و شوهر داری، به کمال روحی بیشتر برسد و روح خود را در اثر شکیبایی و انثار بالنده کنند و از طریق مسئولیتی که در خانه و خانواده دارند، به تلاش بیشتر روی آورند و استعدادهای خود را برای اداره مناسب خانواده به کار گیرند و در نتیجه موقعیت بیشتری بدست آورند.

شخصیت انسان پس از ازدواج به یک شخصیت اجتماعی مبدل می‌گردد، چرا که بعد از ازدواج و زندگی مشترک هم مرد و هم زن خود را شدیداً مسئول حفظ همسر و تامین وسایل زندگی و تربیت فرزندان تلقی می‌کنند و به نوعی می‌شود گفت که اساس مسئولیت اجتماعی در انسان شکل می‌گیرد و بسیاری از شایستگی‌ها و توانمندی‌های درونی و بالقوه او شکوفا می‌گردد پس ازدواج باعث رشد و کمال خواهد شد و انسان بدون جنس مخالف ناقص است و با جنس مخالف کامل می‌گردد و زن به مرد نیاز دارد و زن به مرد و هر کدام با کنار هم بودن تکمیل می‌گردند چرا که هم از نظر روح و هم جسم به یکدیگر شدیداً وابسته اند.

شهید مطهری در این زمینه می‌فرماید:

«تشکیل خانواده یعنی یک نوع علاقه مندشدن به سرنوشت دیگران و یکی از علل این است که در اسلام

ازدواج یک امر مقدس و عبادت تلقی می‌گردد همین است.»

ازدواج اولین مرحله خروج از خود طبیعی فردی و توسعه پیدا کردن شخصیت انسان است. پختگی که در پر تو ازدواج و تشکیل خانواده ایجاد می‌گردد، در هیچ جای دیگر نمی‌توان به آن رسید و آن را فقط در ازدواج و تشکیل خانواده باید بدست آورد.

۱۲. نقش ازدواج در تشکیل جامعه سالم

ازدواج از آن جهت که بنیان جامعه انسانی با زناشویی شکل می‌گیرد و آنان برای تشکیل خانواده ناچارند از ضوابط و نظام حقوقی خاصی پیروی کنند، ازدواج یک امر اجتماعی خواهد بود. تأمین رفاه و آرامش و گسترش مدنیت بشیری در سایه ازدواج شکل خواهد گرفت و تأمین رفاه، بدون تشکیل خانواده‌ای متعهد و مسول امکان ندارد. ازدواج یکی از ارکان مدنیت و راهی مهم برای آسایش جامعه و رفاه بشر محسوب می‌گردد. امام رضا(ع) در اهمیت اجتماعی ازدواج فرمودند: «لَوْلَمْ يَكُنْ فِي الْمَنَاجِحِ وَالْمَصَاهِرِ آيَةٌ مُحْكَمَةٌ، وَ لَاسِنَّهُ مَتَّبَعَهُ لَكَانَ فِيمَا جَعَلَ اللَّهُ مِنَ بَرِّ الْقَرِيبِ وَ تَالْفِ الْبَعِيدِ مَا رَغِبَ فِيهِ الْعَاقِلُ الْبَلِيبُ وَ سَارِعَ إِلَيْهِ الْمَوْفِقُ الْمَصِيبُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۰۳/۲۶۴). انسان خردمند و مصلحت‌اندیش به خاطر اینکه ازدواج نیکی به نزدیکان و پیوند با بیگانگان است، حتی اگر دستوری از خدا صادر نشده بود و سنتی از سوی پیامبر (ص) نرسیده بود باز به این امر خطیر رغبت و تمایل نشان می‌داد و هر شخصی که درستکار و عاقل باشد، نسبت به دیگران به امر ازدواج پیشی می‌گیرد.

ازدواج سرمایه اجتماعی شمرده می‌شود که زن و مرد به پایه یک سلسله باورها، ارزش‌ها و روابط اجتماعی به طور مشترک سرمایه‌گذاری می‌کنند، هرچقدر که قدرت ریسک و خطر پذیری این سرمایه‌گذاری کمتر باشد،

پیامدهای آن قابل پیش بینی و احتمالاً مطلوب است و بر عکس هر چه قدرت خطر پذیری آن افزایش یابد، پیامدهای آن در زندگی فردی و اجتماعی زنان و مردان، غیر قابل پیش بینی و احتمالاً نامطلوب است.

ازدواج اگر در شرایط و بستر مناسب اجتماعی بر پایه عشق و ایمان، اعتقاد و تعهدات متقابل استوار گردد پیامدهای اجتماعی آن نیز مطلوب خواهد بود. ازدواج، اولین گام یک فرد، برای ایجاد تکوین زندگی مشترک با فردی از جنس مخالف است. چنانچه این گام در زمان مناسب و به شکل صحیح و سنجیده برداشته شود، کارکرد های مناسب آن در طول زندگی مشترک هویدا خواهد شد. هرچه کارکرد های مناسب ازدواج در زندگی زنان و مردان بیشتر باشد، خانواده های معطوف به این گونه ازدواج ها، سالم تر و مستحکم تر بوده و در نتیجه جامعه مشتمل بر این گونه خانواده ها نیز دارای انسجام و همبستگی زیاد و نظم اجتماعی مطلوب خواهد بود. ازدواج تنها راه مقبول و مورد پذیرش جهت فراهم نمودن زمینه رشد اجتماعی بشری و سالم نگهداری آن از آفات مرتبط با غریزه جنسی است. (سالم، ۲۰۰۴: ۱۶۳-۱۸۳)

نتیجه گیری

ازدواج امری اساسی و مهم است که باید در جامعه رشد و توسعه پیدا کند و افراد در سایه پای بندگی به آن از بسیاری انحرافات و پیش آمدهای ناگوار مصون باشند. ازدواج دارای نعمت‌های زیادی است از جمله، بقا و طهارت، تکمیل و تکامل، مودت و محبت و رحمت و.... و از همه مهم تر تشکیل خانواده است. پیمان ازدواج، انجام وظیفه الهی است و پیمانی بس مقدس است. چرا که یکی از زیباترین مظاهر رحمانیت و رحیمیت پروردگار عالم، آفرینش عشق و محبت و ایجاد الفت و انس بین زوجین است و آنچه در این مقاله بیان شد اهداف ازدواج در اسلام بوده است که به چند مورد اشاره شده است که مهم ترین تشکیل خانواده است.

پس بنابر سفارش عقل و شرع لازم است انسان‌ها در فرصتی مناسب که احساس نیاز به ازدواج را در خود می‌یابند، با همسری مناسب ازدواج کنند و خانواده سالم تشکیل دهند و با توکل به حق به سعادت دنیوی و اخروی و کمال واقعی دست یابند.

منابع

• قرآن

• نهج البلاغه

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، داربیروت، لبنان، ۱۳۷۵ ق.
۲. افرام بستانی، فواد، فرهنگ ابجدی، انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۵.
۳. اعرافی، علیرضا، اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، دفتر همکاری حوزه دانشگاه، ۱۳۷۶.
۴. الحر العاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، لبنان، دارالاحیاء التراث لبنان، ۱۴۰۳ ق.
۵. امینی، ابراهیم، انتخاب همسر، انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۸۷.
۶. پاک نژاد، سید رضا، ازدواج، مکتب انسان سازی، یاسر، تهران، بی تا.
۷. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح اللغه، دارالعلم للملایین، لبنان، ۱۴۰۴ ق.
۸. رشید پور، مجید، مراحل ازدواج در اسلام، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۶.
۹. سلیم سالم، غسان، محاورالاتقاء و محاورالاتفراق بین المسیحیه و الاسلام، دارالطلیحه، ۲۰۰۴ م.
۱۰. صدری، سید ضیاء الدین، آینه ازدواج و روابط همسران، تهران، انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۷.
۱۱. طبرسی، حسن، مکارم الاخلاق، انتشارات فراهانی بی تا.
۱۲. عندلیب، حمزه، نحن والاولاد، دلیل ها، ۱۴۲۲ ق.
۱۳. فلسفی، محمد تقی، جوان، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.
۱۴. کلینی رازی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.
۱۵. مظاهری، علی اکبر، جوانان و انتخاب همسر، قم، پاریان، ۱۳۹۰.

۱۶. مشکینی، علی، ازدواج در اسلام، ترجمه احمد جنتی، الهادی، قم، ۱۳۶۶.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۸.
۱۸. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، لبنان، دارالاحیاء التراث، ۱۴۰۳ ق.
۱۹. میشل، توماس، کلام مسیحی، حسین توقیفی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۷.
۲۰. مصلحتی، حسین، ازدواج و ازدواج درمانی، نشر البرز، ۱۳۷۹.
۲۱. مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، انتشارات صدرا، ۱۳۵۷.
۲۲. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۲.
۲۳. مصطفوی، جواد، بهشت خانواده، قم، دارالفکر، ۱۳۸۸.
۲۴. مهدوی، محمد صادق، بررسی تطبیقی تغییرات ازدواج، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷.
۲۵. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، مکتبه الاسلامیه، ۱۳۶۵.